

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۳۱

۲۵ شهریور ۱۳۹۹ / ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

حقوق ما

فساد فی الارض

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: سروناز رستگار، رضا حاجی حسینی، نیره انصاری، جواد عباسی توللی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

مفسد فی الارض، حکمی برای تمام فصول کشتار

تبدیل اتهام جنسی به افساد فی الارض، بی ثمر کردن
دادخواهی و نقض حقوق بشر

افساد فی الارض در گفت وگو با آرش جودکی

اتهام «افساد فی الارض» و نقض حقوق انسانها

مفاسد اقتصادی در ایران و قوانینی که شفاف نیستند

مفسد فی الارض، حکمی برای تمام فصول کشتار

سروناز رستگار

همه چیز از پشت‌بام مدرسه‌ای در مرکز تهران آغاز شد و مردی که می‌گفت تنها مجری قوانین اسلام است:

«حضرت امام، دو یا سه روز پس از به ثمر رسیدن انقلاب، اینجانب را فراخواند و نوشته‌ای را نشان داد و گفت: این حکم را به نام شما نوشته‌ام. وقتی که به نوشته نگاه کردم، دیدم که ایشان حکم قضاوت شرع و دادگاه‌های انقلاب را با خط خویش به نام اینجانب نوشته است.

تاریخ ۵/۱۲/۱۳۵۷

جناب حجت‌الاسلام آقای شیخ صادق خلخالی دامت افاضاته

به جناب‌عالی ماموریت داده می‌شود تا در دادگاهی که برای متهمین و زندانیان تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانده و پس از تمامیت مقدمات محاکمه با موازین شرعیه حکم شرعی صادر کنید
روح‌الله الموسوی الخمینی

عرض کردم: متشکرم؛ اما این کار خون دارد و بسیار سنگین است.

حضرت امام فرمود: برای شما سنگین نیست، من حامی شما هستم.

...

سرانجام، وظیفه محوله از سوی امام را پذیرفتم و داد مستضعفان و ملت مظلوم، در طول تاریخ را، از مستکبرانی، مانند: هویدا و خسرو داد و ربیعی و رحیمی و پاکران مقدم و نصیری و مهندس ریاضی و خلعت‌بری و جهانبانی و صدها سپهبد و سرلشکر و خوانین گردن‌کلفت و دیگر مفسدین فی‌الارض را به وجه احسن گرفتم و آنها را به پای میز محاکمه کشاندم و به سزای عملشان رساندم.^۱

و این آغاز طرح اتهامی بود با عنوان مفسد فی‌الارض، اتهامی که به نوشته ارواند آبراهامیان در کتاب «اعترافات شکنجه‌شدگان»، از سال ۱۲۸۸ تا آن زمان شنیده نشده بود:

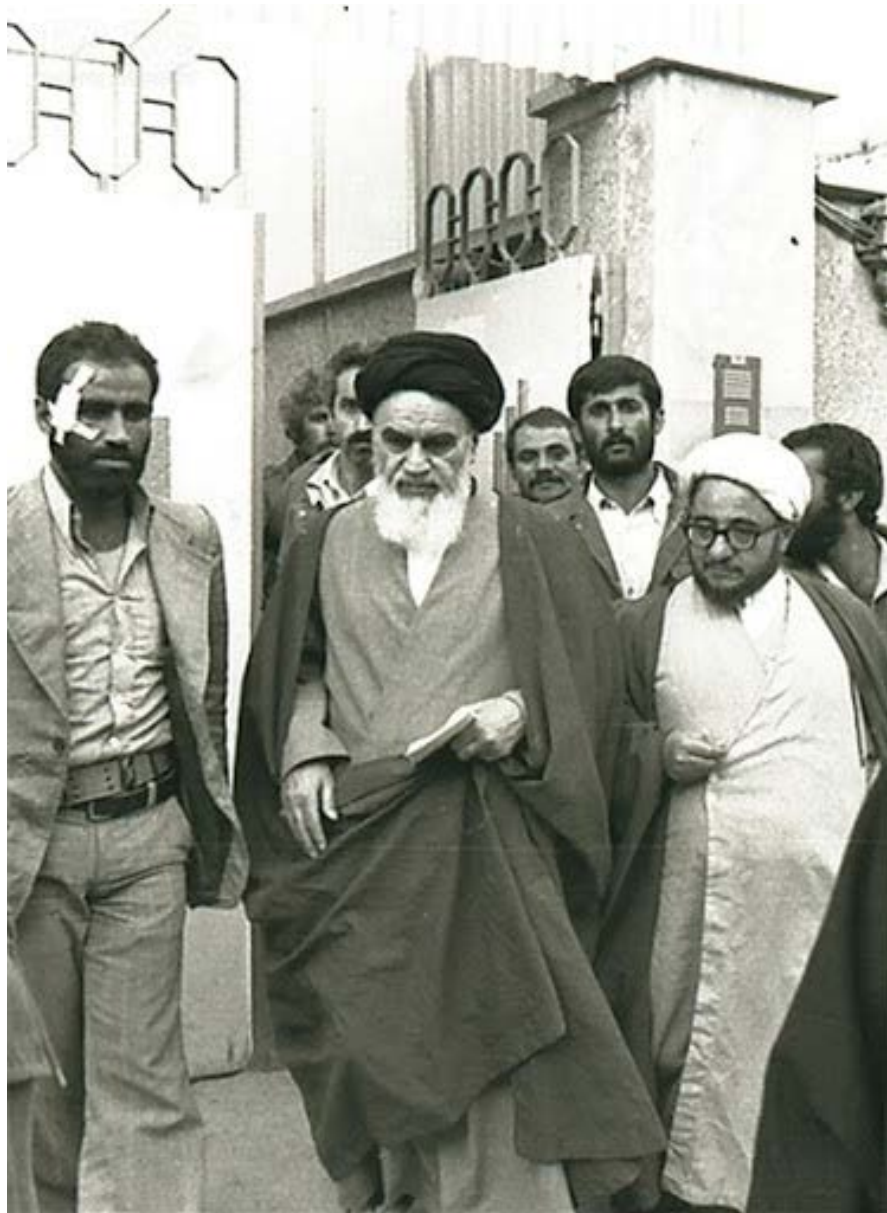
«در نخستین روز حاکمیت رژیم جدید، خمینی دادگاه‌های انقلاب را برای مجازات شخصیت‌های برجسته رژیم پیشین، احیاء قوانین شرع و حفظ ظاهری نظم و قانون به دلیل آشفتگی کامل قوه قضاییه و دستگاه قضایی بنیان گذارد. در ۲۸ ماه آینده، دادگاه انقلاب ۷۵۷ را به جرم "مفسد فی‌الارض"، عبارتی که در ایران از سال ۱۲۸۸ تا آن هنگام شنیده نشده بود، به جوخه اعدام سپرد. همگامی که متهمی جسارت پیدا کرده

۱. خاطرات آیت‌الله خلخالی، اولین حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب. ص ۲۹۰ تا ۲۹۳

رحیمی، فرماندار نظامی تهران و رئیس شهربانی کل کشور، این چهار نفر در مدرسه رفاه اعدام شدند و حکم اعدام آنها را اینجانب صادر کردم. در آن شب، من تعداد ۲۶ تن را محکوم کرده بودم که به دلیل دخالت‌ها، فقط دستور اعدام چهار نفر یاد شده را صادر کردم. آن‌ها در پشت بام مدرسه رفاه اعدام شدند و این اولین اعدام ما بود. البته، من با خوردن خون دل، سرانجام توانستم همان ۲۵ نفر را به تدریج اعدام کنم. همه افرادی که در دادگاه‌های انقلاب محکوم به اعدام شدند، از مصادیق بارز مفسد فی‌الارض بودند و تحت همین عنوان هم اعدام شدند.^۲

مفسد فی‌الارض در حالی وارد ادبیات قضایی ایران شد که از همان ابتدا دیدگاه‌های انقلابی در تفسیر آن بر دیدگاه‌های فقهی و حقوقی ارجحیت پیدا کرد. علی محمد بشارتی، از همراهان آیت‌الله خمینی در مدرسه رفاه در مورد اعدام امیرعباس هویدا، گفته است: «آقای هویدا مفسد فی‌الارض بود. مفسد فی‌الارض که محاکمه ندارد.»^۳ صادق خلخالی در حالی با حکم آیت‌الله خمینی دستور اعدام افراد را به اتهام افساد فی‌الارض صادر می‌کرد که آیت‌الله محمد موسوی بجنوردی می‌گوید او خود اعتقادی به اجرای حکم اعدام به اتهام افساد فی‌الارض نداشته است:

«اصلاً امام حکم اعدام برای مفسد فی‌الارض را قبول نداشت. نظر ایشان در این باره این بود که عنوان مفسد فی‌الارض به خودی خود، عنوان مجرمانه‌ای که مستحق اعدام باشد نیست. در کتاب تحریر الوسیله، می‌نویسند که: المحارب: هو کلّ من جرّد سلاحه او جَهّزه لاختافه الناس و ارادة الافساد فی الارض؛ فی برّ کان او فی بحر، فی مصر او غیره، لیلاً او نهراً»؛ (تحریر الوسیله «دو جلد در یک جلد»، ص ۸۸۹، مسأله ۱) در این جمله «و» عطف آمده، یعنی در این جا موضوع مرکب از حمل اسلحه، شرارت و فساد است و نفس افساد فی‌الارض، موضوع نیست. من شخصا از ایشان برای دادگاه عالی قضات استفتاء کردم که آیا قاچاقچیان مواد مخدر مستحق اعدام هستند یا خیر؟ که ایشان فرمودند: "چنان‌چه حمل اسلحه، شرارت و فساد کنند." یعنی ایشان، نفس مفسد را به تنهایی به عنوان یک جرم مستقل [با مجازات اعدام] قبول نداشتند.^۴



و درباره معنای این عبارت پرسید قاضی با عصبانیت پاسخ داد: این عبارت به معنی پراکندن بدبختی؛ محروم ساختن ملت از حقوق و آزادی‌های بر حق‌شان و تضعیف استقلال، امنیت و سلامت کشور است.^۱

صادق خلخالی در خاطراتش درباره آغاز اعدام مفسدین اعدام می‌نویسد:

«اینجانب، پس از دریافت حکم، به محاکمه مجرمین درجه یک پرداختم، نخستین کسانی که در دادگاه محاکمه و به جزای عمل خود رسیدند، عبارت بودند از: نعمت‌الله نصیری، رئیس سازمان ساواک و خسرو داد، فرمانده هوانیروز و ناجی، فرماندار نظامی اصفهان و

۱. کتاب اعترافات شکنجه‌شدگان اثر پرواند آبراهامیان، صفحه ۲۰۵

۲. ایام انزوا، خاطرات آیت‌الله خلخالی، ص ۳۵۲

3. <https://bit.ly/327IoJy>

4. <https://bit.ly/3ehMkvZ>

و در قوانین مربوط به جرایم زیر به افساد فی‌الارض اشاره شده است:

- ۱ - قانون مبارزه با مواد مخدر
- ۲ - قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری
- ۳ - قانون اخلال گران اقتصادی
- ۴ - قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
- ۵ - قانون مجازات عبور دهندگان از مرزها
- ۶ - قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس
- ۷ - قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان
- ۸ - قانون مجازات فعالیت کنندگان در امور سمعی بصری
- ۹ - قانون مبارزه با قاچاق انسان

این لیست طولانی جرایمی که می‌تواند منجر به اثبات اتهام مفسد فی‌الارض شود برای اطلاق هر اتهامی کافی است. از تخریب کنندگان محیط زیست تا گردانندگان کانال‌های تلگرامی.

مفسد اقتصادی، مفسد فی‌الارض

اتهام افساد اقتصادی یکی از مهم‌ترین اتهاماتی است که می‌تواند متهمان را به افساد فی‌الارض روبرو کند.

فاضل خداداد ^۱اولین متهم اقتصادی که اعدام شد

فاضل خداداد اولین مجرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است که پای چوبه دار رفت. رقمی که او اختلاس کرد شاید این روزها چندان رقم بزرگی برای فساد مالی به حساب نیاید، اما در سال ۷۴ خبر آن مثل یک بمب در جامعه عمل کرد. او متهم به اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومان از بانک صادرات بود و اولین مفسد اقتصادی که مفسد فی‌الارض شناخته شد.

مه‌آفرید امیرخسروی ^۲ متهم به بزرگترین اختلاس تاریخ ایران مه‌آفرید خسروی» را به نام «امیرمنصور آریا» نیز می‌شناسند. او کسی بود که توانست در فهرست ۲۹۰ مرد ثروتمند جهان قرار بگیرد. فعالیت‌های اقتصادی او آنقدر گسترش پیدا کرد که هنگام دستگیری در سال ۱۳۹۰ مؤسس ۳۸ شرکت و صاحب ۳۸ کارخانه شده بود و ۱۸ پروژه را برای اجرا در دست داشت.

بابک زنجانی از خدمت به نظام تا افساد فی‌الارض ^۴ بابک زنجانی، میلیاردر ایرانی با پرونده‌ای ۲۰۹ جلدی به فساد فی‌الارض از طریق اختلال در نظام اقتصادی کشور، کلاهبرداری از شرکت ملی نفت، بانک مسکن و تأمین اجتماعی، پولشویی، جعل ۲۴ فقره اسناد و صورت‌حساب‌های بانکی، جعل حواله‌های ارزی و جعل دستور انتقال بین بانک‌ها متهم شده است.

گفته شده که او پس این که به اتهام فساد مالی به اعدام محکوم شده از وکیلش پرسید: آیا واقعاً من مفسد فی‌الارض هستم؟ رسول



و مجدداً در سال ۱۳۷۱ زمانی که قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید ، مواد ۱۸۸ تا ۱۹۶ به جرم انگاری محاربه و افساد فی‌الارض اختصاص یافت. اما جالب تر آنکه در آخرین اصلاحات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون گذار در اقدامی جدید جرم افساد فی‌الارض را از زیر مجموعه جرم محاربه به جرمی مستقل تعریف کرد و نه تنها جرم انگاری از این منظر را محدود نکرد بلکه این دو جرم را به بسیاری فعالیت های مختلف اجتماعی بسط داد.^۱

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی افساد فی‌الارض را چنین تعریف می‌کند: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

1. <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-48109841>

2. <https://bit.ly/34SvtwC>

3. <https://bit.ly/3jS00Px>

4. <https://ir.voanews.com/persiannewsiran/iran-justice-zanjani>

براساس آنچه در صحیفه روح‌الله خمینی آمده^۱، عبدالکریم موسوی اردبیلی در سال ۶۶ استفتایی از او کرده تا با توجه به این که نظر فقهی آیت‌الله خمینی اعدام شخص مفسد نیست؛ شورای عالی قضایی اجازه عمل بر اساس نظر آیت‌الله منتظری را داشته باشد که اعدام مفسد فی‌الارض را جایز می‌دانست.

متن استفتا به این شرح است:

«بسمه تعالی. حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی- دام

عزه

اعدام شخص مفسد که در نظر مبارک مورد احتیاط است به نظر آیت‌الله منتظری جایز است و این مسأله در محاکم قضایی مورد احتیاج است. اگر اجازه می‌فرمایید در مراجع قضایی طبق نظر ایشان عمل شود. ادام الله عمرکم الشریف.

۹/ ۷/ ۶۶- عبد الکریم موسوی.

در پاسخ آیت‌الله خمینی نیز آمده است:

بسمه تعالی

مجازید بر طبق نظر شریف ایشان عمل نمایید.

۹/ ۷/ ۶۶

روح الله الموسوی الخمينی»

با این که این استفتا مدتی پیش از اعدام‌های سال‌های ۶۶ و ۶۷ گرفته شد اما بحث اصلی بر سر آن پس از مصاحبه آیت‌الله موسوی بجنوردی بالا گرفت. در سال ۹۴ بود که احمد منتظری، فرزند حسینعلی منتظری، در توضیح فتوای پدرش نوشت:

«آیت الله منتظری در پاسخ به سوالی که در همان دهه شصت از ایشان شد، مبنی بر این که ملاک افساد و مفسد چیست؟ مرقوم فرموده‌اند: ظاهراً ملاک، فساد است که از ناحیه شخص یا اشخاص و یا قدرتی متوجه کیان جامعه اسلامی و یا حیثیت عمومی اسلام و مسلمین باشد و شامل ارتکاب هر گناهی هر چند کبیره باشد نمی‌شود./ کتاب استفتانات، ج ۱، سؤال ۸۸۴

و در پاسخ به این سوال که آیا باید نسبت افساد به شخص یا اشخاص، نسبت مباشرت باشد یا تسبیب؟ مرقوم فرموده‌اند: «ملاک، تصمیم فاعل بر افساد و صدق انتساب است عرفاً هر چند به نحو تسبیب باشد، ولی اگر در کنار فاعل مباشر، یا سبب ضعیف، سبب اقوی وجود داشته باشد، صدق مفسد بر آن‌ها نوعاً محل اشکال است،

و الحدود تدرأ بالشبهات.» همان، و نیز توضیح المسائل، مسألة ۳۲۰۶

و در پاسخ این سوال که اگر تسبیب لازم است، آیا شامل هر سببی هر چند ناقص می‌شود؟ در حالی که سبب ناقص، خود معلول علت دیگر اقوی خواهد بود، یا این که باید سبب اصلی و علت العلل فساد و افساد مورد نظر باشد؟ مرقوم فرموده‌اند: «تسبیب خصوصیتی ندارد، آنچه ملاک است قصد افساد مرتکب، نسبت به کیان فرهنگی یا سیاسی یا اقتصادی جامعه اسلامی می‌باشد و صدق انتساب عرفی است و با وجود سبب اقوی، صدق مفسد بر سبب ضعیف معلوم نیست، و الحدود تدرأ بالشبهات.» استفتانات، ج ۱، سؤال ۸۸۴^۲

با همه مباحث فقهی مطرح شده پیرامون این موضوع اما از اولین قانون مجازات اسلامی نوشته شده در سال ۱۳۶۱ افساد فی‌الارض در قانون قید شد. پگاه بنی‌هاشمی، حقوقدان در این مورد می‌نویسد:

«محاربه و افساد فی‌الارض بالا فاصله پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ وارد سیستم قضایی کشور شد؛ پس از آن محاربه و افساد فی‌الارض در قانون حدود و تعزیرات مصوب ۱۳۶۱ به طور رسمی وارد نظام حقوقی ایران شد

2. <https://bit.ly/3ehuTfg>

نداشته باشد.»

اما سال‌ها پیش از این سخنان آیت‌الله نوری همدانی، جلیل محبی مدیر حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در یادداشتی با عنوان «مبانی فقهی و حقوقی لزوم اعدام موسوی و کروی» که در سال ۱۳۸۹ منتشر شد، خواستار مفسدفی‌الارض شناختن معترضان به نتایج انتخابات ۸۸، میرحسین موسوی و مهدی کروی شد و *نوشت:*^۷

«محاکمه و مجازات سران فتنه ۸۸ از منظر قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران و مقررات مخصوص فقهی جای تردید ندارد. لکن آنچه مهم است اینکه اعمال کیفر سلب حیات اعدام برای جرائم ارتكابی توسط اینان مستند به کدام مواد قانونی و متون فقهی است؟... آنچه ذات جرم محاربه و افساد فی الارض را تشکیل می‌دهد ایجاد ناامنی و سلب آزادی مردم است و ابزار ارتکاب در این جرم موضوعیت ندارد و با توجه به اینکه سران فتنه با علم به اینکه درخواستشان برای راهپیمایی موجب ناامنی در کشور و سلب آزادی تردد مردم می‌گردد، اقدام به صدور بیانیه و درخواست تجمع کرده‌اند مشمول ماده ۱۸۳ می‌گردند.»

هر چند به این موارد مطرح شده در مورد رهبران اعتراضات ۸۸ تاکنون در دادگاه‌های ایران توجهی نشده اما همین استدلال در مورد معترضان سال‌های ۹۶ و ۹۸ به ثمر نشسته است.

رئیس کل دادگستری استان اصفهان^۸ تیرماه ۹۹ از صدور حکم «فساد فی‌الارض» برای هشت نفر از شرکت‌کنندگان در اعتراضات چند سال گذشته، احتمالاً معترضان آبان ۹۸، در این استان خبر داد.

روح‌الله زم^۹ مخالف سیاسی حکومت ایران نیز سرانجام پس از برگزاری شش جلسه دادگاه به اعدام محکوم شد. غلام‌حسین اسماعیلی سخنگوی قوه قضاییه در کنفرانس خبری خود خبر داد که «دادگاه ۱۳ مورد از عناوین ریز توام را از مصادیق افساد فی الارض دانسته و حکم اعدام صادر کرده است و در مورد چند مورد اتهامی که افساد فی الارض نبود به مجازات حبس محکوم شده است.» اتهام‌های آقای زم که در نخستین جلسه دادگاه در تاریخ ۲۱ بهمن ۹۸ توسط نماینده مدعی‌العموم قرائت شد به این شرح است:

«۱- افساد فی الارض

۲- تشکیل و اداره کانال معاند آمد نیوز و صدای مردم با هدف برهم زدن امنیت کشور

۳- جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی اسرائیل به واسطه سرویس

7. <https://www.teribon.ir/archives/41087>

8. <https://www.radiofarda.com/a/iran-court-sentences-eight-peopel-for-protests-winter/30693485.html>

9. <https://bit.ly/2TQxcMG>

اطلاعاتی یکی از کشورهای منطقه

۴- جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی کشور فرانسه

۵- همکاری با دولت متخاصم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

۶- اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

۷- مشارکت در فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به طور گسترده

۸- عضویت و مدیریت پایگاه خبری معاند سحام نیوز با هدف برهم زدن امنیت کشور

۹- مشارکت در اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد برهم زدن امنیت کشور

۱۰- مشارکت در جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده به قصد ارائه به دیگران با هدف برهم زدن امنیت کشور

۱۱- مشارکت در نشر اکاذیب به طور گسترده

۱۲ – تحریک موثر نیروهای رزمنده و اشخاصی که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی

۱۳- توهین به مقدسات اسلام

۱۴- توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر

۱۵- توهین به مقامات و مامورین در حال انجام وظیفه یا به سبب آن

۱۶- تحصیل مال از طریق نامشروع جمعاً به میزان ۹۷ هزار و ۵۵۰ یورو

۱۷- شکایت برخی اشخاص حقوقی و حقیقی.»

آقای اسماعیلی جزئیات بیشتری در مورد حکم ارائه نداده است. اما به گفته او قاضی اغلب موارد اتهامی آقای زم را از مصادیق افساد فی‌الارض دانسته و او را به مرگ محکوم کرده است.

متهم اخلاقی، مفسد فی‌الارض

از **قاتلان زنجیره‌ای**^۱ تا متهمان به همجنس‌گرایی و حتی سلبریتی‌های شبکه‌های اجتماعی، افساد فی‌الارض چنان تفسیر موسعی در قوانین جمهوری اسلامی دارد که شامل همه این موارد می‌شود.

در یکی از جدیدترین پرونده‌ها حکم مفسد فی‌الارض بودن مردی که پس از ورود به خانه‌های ۲۰ زن و کودک آنها را مورد آزار و اذیت قرار داده بود، از سوی دیوان عالی کشور تأیید شد و وی در فهرست **اجرای حکم**^۲ قرار گرفت.

محسن لרستاني^۳ خواننده معروف پاپ نیز از اسفند سال ۹۷ تاکنون به اتهام افساد فی‌الارض در بازداشت موقت به سر می‌برد و

1. <https://www.magiran.com/article/2232647>

2. <https://bit.ly/3mQhz4p>

3. <https://bit.ly/34TNdYM>

کیفرخواست وی از سوی دادسرای امنیت اخلاقی صادر شده است.

سحر تبر یکی از چهره‌های مشهور اینستاگرامی نیز متهم به مفسد فی‌الارض شده است. سعید دهقان وکیل فاطمه خویشوند (سحر تبر) گفته است که موکلش متولد سال ۸۰ است و در زمان وقوع جرم انتسابی، وی هنوز به سن قانونی رشد نرسیده بود در نتیجه کودک محسوب می‌شود.

کریم زرگر^۴، از مدیران اسبق صداوسیمای ایران و سینماگر، به **اتهام افساد فی‌الارض**^۵ روز دهم بهمن‌ماه در زندان رجایی‌شهر کرج اعدام شد.

از آقای زرگر به عنوان مدیر مؤسسه «مطالعات و تحقیقات متافیزیک راه معرفت» نیز یاد شده است و آن طور که از گزارش‌ها برمی‌آید او در ارتباط با فعالیتش در همین موسسه و به دلیل تبلیغ و ترویج جنبش نوظهور عرفانی اکنکار به اتهاماتی از جمله فساد فی‌الارض به اعدام محکوم شده بود.

اما جدیدترین متهم به فساد فی‌الارض «**کیوان امام‌وردی**»^۶، کسی است که در تابستان ۹۹به اتهام تجاوز به تعدادی زن بازداشت شد، متهم به فساد فی‌الارض شده است. او از سوی ده‌ها کاربر شبکه‌های اجتماعی متهم شد که با ریختن مواد بی‌هوش‌کننده درمشروبات الکلی در منزل خود، به آن‌ها تجاوز کرده است. نهایتاً با افزایش نوشته‌ها، سردار «رحیمی»، رئیس پلیس پایتخت روز چهارم شهریور خبر بازداشت او را اعلام کرد.

مصادیق جدید برای افساد فی‌الارض

با این که در همه سال‌های پس از انقلاب اسلامی، قانون مجازات اسلامی امکانات لازم برای اجرای حکم اعدام متهمان مختلف به اتهام افساد فی‌الارض را فراهم کرده، با این همه نمایندگان مجلس نمایندگان در اردیبهشت ۹۹ هرگونه **همکاری اطلاعاتی یا جاسوسی**^۷ به نفع «رژیم صهیونیستی» را در حکم محاربه و افساد فی‌الارض شناخته و مرتکب را به اشد مجازات محکوم کردند.

در طرح تشدید مجازات **جرم اسیدپاشی**^۸ در برخی موارد افسادفی‌الارض و اعدام پیش‌بینی شده است.

در تبصره اصلاح ماده ۱ آمده است: در مواردی که اسیدپاشی مشمول مقررات ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد، اقدام مرتکب افساد فی‌الارض محسوب و به مجازات آن محکوم می‌شود.

4. <https://bit.ly/21192g1>

5. <https://www.radiofarda.com/a/29040223.html>

6. <https://www.hra-news.org/2020/hranews/a-27015/>

7. <https://bit.ly/2JCOTQ1>

8. <https://bit.ly/34UmICh>

تبدیل اتهام جنسی به افساد فی الارض، بی‌ثمر کردن دادخواهی و نقض حقوق بشر

گفت‌وگو با بهار صبا و معین خزائی



رضا حاجی حسینی

ایران از جمله معدود کشورهایی‌ست که در آن روابط جنسی توأم با رضایت افراد جرم‌انگاری شده است؛ در حالی که قانون در مورد اصل «تجاوز» -به طور روشن و مشخص- ساکت مانده است.

جرم‌انگاری روابط جنسی از جمله «تجاوز به عنف» در قوانین جمهوری اسلامی به گونه‌ای‌ست که می‌تواند متهم را با اتهام «افساد فی الارض» روبه‌رو کند و مجازات مرگ (اعدام) به همراه داشته باشد، حتی اگر -چنانچه ذکر شد- تجاوزی در میان نبوده باشد.

یکی از پرونده‌های قابل ذکر در این مورد، پرونده محسن لرستانی، خواننده پاپ است. لرستانی را روز ۱۲ اسفند ۹۷ در منزل مادرش در سعادت‌آباد بازداشت کردند و پرونده او به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمد مقیسه ارجاع شد. کاظم حسینی، وکیل او اعلام کرد که پرونده موکلش با شکایت مدعی‌العموم و با صدور کیفرخواست به اتهام افساد فی الارض به این شعبه دادگاه انقلاب ارسال شده.

حسینی گفت که موضوع اتهامی لرستانی در رابطه با «مسائل اخلاقی و خصوصی» بوده که در فضای مجازی منتشر کرده و شاکی خصوصی در میان نیست. او البته گفت موکلش به ایجاد یک گروه اینستاگرامی ویژه افراد تراجنسی (ترنس) متهم شده و به همین دلیل متهم به افساد فی الارض است. ماجرای دیگر به بازداشت کیوان امام وردی برمی‌گردد. او که به دنبال موج افشاگری درباره تجاوز به زنان و آزار جنسی در ایران، از سوی شماری از زنان متهم شد، حالا با اتهام افساد فی الارض روبه‌روست.

یما قوشه، وکیل شماری از شاکیان پرونده کیوان امام وردی، روز یکشنبه ۲۷ مهر گفت هر چند موکلان او زیر عنوان مشخص «زنا به عنف» طرح دعوا کرده‌اند، اما مقام‌های قضایی جمهوری اسلامی از همان ابتدا امام وردی را به اتهام «افساد فی الارض» بازداشت و بازجویی کرده‌اند. او متهم است در یک دوره زمانی چند ساله، با به کارگیری شیگردهایی مشابه، به چندین زن جوان در ایران تجاوز جنسی کرده است. این گزارش تلاش می‌کند تا اتهام افساد فی الارض برای روابط

از هر گونه اکراه، اجبار و خشونت می‌تواند تصمیم بگیرد که وارد یک رابطه رضایتمندانه شود. بنابراین جرم‌انگاری چنین رابطه‌ای نقض حقوق بشر است.»

این حقوقدان به «حقوق ما» می‌گوید: «وجه منفی گسترده‌تر این جرم‌انگاری این است که وقتی افراد رضایتمند نباشند که وارد یک رابطه جنسی شوند، آن رابطه جنسی در شمول تجاوز یا آزارها، تعرض و خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرد و جرم‌انگاری رابطه جنسی رضایتمندانه منجر به این می‌شود که بسیاری از افراد که ممکن است مورد تجاوز قرار گرفته باشند یا تحت اشکال دیگری از خشونت و آزار جنسی قرار گرفته باشند، حتی وقوع جرم را به مقامات گزارش نکنند به این علت که اگر نتوانند عدم رضایت را ثابت کنند ممکن است خود در مظان اتهام قرار گرفته و مجرم شناخته شوند.»

معین خزائی، حقوقدان و پژوهشگر اما در پاسخ به این سوال که چرا قوانین جمهوری اسلامی برای روابط جنسی، مجازات -از جمله اعدام- تعیین کرده است، می‌گوید فلسفه اصلی ورود قانونگذار و قانون در ایران به حریم جنسی شهروندان جامعه و تلاش برای کنترل آن، ناشی از تمرکزی‌ست که شرع اسلام بر روابط جنسی میان انسان‌ها دارد؛ یعنی همان ممنوعیت و حرمت رابطه جنسی خارج از ازدواج شرعی که می‌تواند دائم یا موقت: «برای مثال جرم‌انگاری آنچه در شرع اسلام و به تبع آن در قانون مجازات اسلامی تحت عنوان زنا، تقبیل، مضاجعه، لواط، مساحقه و تفخیز شناخته می‌شوند در واقع اعمالی هستند که از نظر شارع اسلامی غیراخلاقی و حرام تشخیص داد شده و در نتیجه برای ارتکاب آنها مجازات تعیین شده است.»

خزائی هم معتقد است که گرچه این جرایم، جرایم مرتبط با رابطه جنسی بوده و نوعاً به عنوان جرایم جنسی شناخته می‌شوند، اما جرم‌انگاری آنها بر خلاف بسیاری از کشورها بر مبنای فقدان رضایت طرفین رابطه نیست: «مثلاً جرم‌انگاری تقبیل یا مضاجعه یا همان رابطه جنسی غیر از زنا (به معنی دخول آلت جنسی مرد در آلت جنسی زن) با در نظر گرفتن عواملی مانند عدم رضایت طرفین به برقراری رابطه نیست، بلکه این نامشروع بودن آن بر اساس فقه و اسلام است که اهمیت دارد.»

اما آیا تجاوز در قوانین جمهوری اسلامی جرم‌انگاری شده و این متجاوز است که لزوماً به عنوان مفسد فی الارض شناخته



و جرایم جنسی را بررسی و واکاوی کند و به این موضوع بپردازد که جرم‌انگاری روابط جنسی و در نظر گرفتن مجازات اعدام برای برخی اتهام‌های جنسی چه دستاوردی برای قوه قضاییه جمهوری اسلامی دارد.

به گفته بهار صبا، حقوقدان و پژوهشگر در سازمان حقوق بشری آرتیکل ۱۹، جرم‌انگاری رابطه جنسی رضایتمندانه خارج از ازدواج همچنان در قانون ایران ادامه دارد و به این ترتیب حق افراد برای داشتن روابط رضایتمندانه نقض می‌شود.

جرم‌انگاری روابط جنسی بین افراد بزرگسال که دو طرف رابطه رضایت دارند، در تضاد با تعهدات بین‌المللی ایران و نقض آن محسوب می‌شود.

صبا می‌گوید اتفاقی که در نظام قانونی ایران افتاده این است که جرم‌انگاری رابطه جنسی رضایتمندانه خارج از ازدواج که در قوانین فقهی وجود داشته، وارد نظام حقوقی کیفری ایران شده است و برخلاف مقررات بین‌المللی، این جرم‌انگاری همچنان ادامه دارد: «هر شخصی بر تمامیت جسمی، روانی و جنسی خود حق دارد و همچنین هر فرد در فضایی فارغ

می‌شود؟

بهار صبا در پاسخ به این سوال می‌گوید نکته بسیار مهمی که باید در نظر گرفته شود این است که در قانون ایران، جرم تجاوز وجود ندارد بلکه در این قانون جرم‌های «زنا» به «نف» و «لواط به «نف» وجود دارد: «در روابط جنسی غیررضایت‌مندانه که تجاوز محسوب می‌شوند، پرونده کسانی که شکایت می‌کنند در سیستم قضایی ایران تحت این عنوان‌ها یعنی زنا» به «نف» و لواط به «نف» رسیدگی می‌شود اما زنا» به «نف» یا لواط به «نف» در واقع جرم‌انگاری تجاوز نیست.»

تجاوز چیست؟

روشن شدن تعریف دقیق تجاوز در حوزه روابط جنسی می‌تواند خلأهای قانونی موجود در قوانین ایران را شفاف و برجسته کند. برای رسیدن به تعریف تجاوز در این حوزه، «عناصر جرایم» در اساسنامه رم پیش روی ماست. تعریف تجاوز در حقوق بین‌الملل که در عناصر جرایم اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تصریح شده، در بر دارنده دو عنصر است:

۱- تعرض عامل جرم به بدن دیگری، با عملی که منجر به دخول هر چند بسیار اندک اندام جنسی در هر عضو بدن قربانی یا بدن عامل جرم شود یا [منجر به دخول هر چند بسیار اندک] هر شی یا عضو بدن در واژن یا مقعد قربانی شود. ۲- تعرض با زور یا با تهدید به اعمال زور یا اجبار صورت گیرد. اجباری که می‌تواند از روی موارد مختلفی باشد، از جمله ترس از خشونت، فشار، حبس، فشار روانی یا سوء استفاده از قدرت -که علیه شخص قربانی یا شخص ثالثی صورت گیرد- یا با سوءاستفاده از فضای ارباب باشد یا تعرض به شخصی باشد که قادر به دادن رضایت حقیقی نیست. برای مثال کودکان یا فرد تحت تأثیر الکل یا مواد مخدر، دارای صلاحیت برای دادن رضایت نیستند.

بهار صبا با تکیه بر همین تعریف می‌گوید که لازم است تعریف تجاوز در قوانین ایران بسیار گسترده‌تر شود: «بسیاری از کشورها تعریفی را که در قوانین بین‌المللی وجود دارد به اشکال مختلف با تغییراتی در قانون داخلی پذیرفته‌اند. برای مثال ما اگر به اساسنامه رم رجوع کنیم، تعریفی که از تجاوز در "عناصر جرم" ارائه می‌دهد، تعریفی‌ست که فارغ از جنسیت زن و مرد، هر گونه تعرض به بدن یک شخص از سوی فرد مهاجم را که باعث هر نوع از دخول حتی به میزان بسیار کم شود -چه دهانی، در واژن یا مقعدی باشد با آلت

جنسی، یا عضو دیگری از بدن یا شی‌ای دیگر- در صورتی که آن فرد رضایت نداده باشد، مشمول تجاوز می‌داند.»

به گفته صبا، عنصر بسیار مهم تعریف تجاوز، عدم وجود رضایت است اما عدم وجود رضایت فقط به این معنی نیست که کسی با زور کس دیگری را وادار به رابطه جنسی کرده باشد: «هر گونه اجبار، اکراه، زور، تهدید به زور و خشونت، فشار روانی، ایجاد فضای ارعاب و شرایطی که باعث شود فردی احساس کند که انتخاب از او گرفته شده، یا سوء استفاده از چنین فضایی، همه باعث می‌شوند که در واقع رضایت وجود نداشته باشد. همچنین ارتباط جنسی با کسانی که قادر به دادن رضایت حقیقی نیستند مانند کودکان یا کسانی که تحت تأثیر مواد مخدر یا الکل هستند، مشمول این تعریف است.» البته بر اساس قوانین و استانداردهای بین‌المللی، کودکان و نوجوانان هم باید از حق تمامیت جسمی، روانی و جنسی برخوردار باشند.

بهار صبا با تأکید بر این نکته می‌گوید: «این یعنی رابطه جنسی بین کودکان و نوجوانانی که در یک گروه سنی هستند می‌تواند جایز باشد اما اگر فاصله سنی زیاد باشد یا در مواردی که فرد بزرگسال با کودک رابطه جنسی برقرار کند، به علت رابطه قدرت و عدم وجود رضایت آزادانه و حقیقی، رابطه -بسته به نوع آن- مشمول تعریف تجاوز یا آزار و تعرض جنسی می‌شود.»

او همچنین مسأله «رضایت مشروط» را مطرح می‌کند و می‌گوید: «برای مثال وقتی کسی رضایت داده که رابطه جنسی با کاندوم انجام شود، اگر طرف مقابل کاندوم را بردارد، در واقع شرط این رضایت‌مندی از بین رفته و در اینجا دیگر رضایت وجود ندارد.»

در ایران و در قوانین جمهوری اسلامی اما هیچ‌کدام از این موارد وجود ندارد و آنچه وجود دارد -که در قانون زنا» به «نف شناخته می‌شود- در واقع رابطه با «نف» و اکراه خارج از ازدواج است به این معنی که آلت جنسی مردانه دخول کامل در واژن یا مقعد زن داشته باشد.

بهار صبا می‌گوید: «بسیاری از موارد دیگری که در قوانین بین‌المللی و در قوانین بسیاری از کشورهای دیگر تجاوز محسوب می‌شوند، در قانون ایران تجاوز به حساب نمی‌آیند.»

جرایم جنسی و مجازات‌ها

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی اگر در پرونده‌ای زنا»



به «نف» ثابت شود، مجازات آن اعدام است. بر پایه قوانین بین‌المللی در کشورهایی که هنوز مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند اما مجازات اعدام تنها در شرایطی می‌تواند صادر شود که «جدی‌ترین جرایم» ارتکاب یافته باشند به این معنی که تنها و تنها در مورد جرم قتل عمد می‌شود مجازات اعدام صادر کرد.

بهار صبا با تأکید بر این موضوع می‌گوید که بنابراین جرم تجاوز -با تأکید بر قبیح و غیرانسانی بودن آن و اینکه جرم بسیار سنگینی است- به هیچ عنوان نمی‌تواند زیرمجموعه تعریف «جدی‌ترین جرایم» در حقوق بین‌الملل قرار بگیرد: «اتفاقی که در ایران می‌افتد این است که در مواردی که یک فرد مرتکب مواردی از تجاوز یا آزار جنسی (بیش از یک مورد) می‌شود، ممکن است تحت تعریفی که قانون ایران از افساد فی الارض دارد، آن فرد "مفسد فی الارض" شناخته شده و به اعدام محکوم شود.»

این حقوقدان در ادامه می‌گوید: «ما می‌دانیم که افساد فی الارض جرمی است که تعریف آن بسیار دارای مشکل است به

این دلیل که نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست.» بر اساس اصل مورد اشاره بهار صبا، قانون‌گذار موظف است هر عملی را که بناست جرم‌انگاری شود، به شکلی بسیار دقیق و روشن جرم‌انگاری کند تا فرد بداند دقیقاً چه عملی جرم است و از سوی دیگر دست سیستم باز نباشد که به شکلی دلخواه بتواند اعمال مختلف را جرم‌انگاری کند.

به گفته بهار صبا اما آنچه در بسیاری از جرایم در قوانین کیفری ایران -از جمله در رابطه با افساد فی الارض- دیده می‌شود آنچنان تعریف وسیعی دارد که دست مقامات باز است تا بسیاری از اعمال و کارها را با وجود تعاریف مبهم، مصداق افساد فی الارض قلمداد کنند. به عنوان مثال جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، نشر اکاذیب، وارد کردن خسارت به تمامیت جسمانی افراد یا اشاعه فساد و فحشا و...

او می‌گوید جرم‌انگاری «وارد کردن خسارت به تمامیت جسمانی افراد» یا «اشاعه فساد و فحشا» به احتمال بسیار زیاد با مواردی که به تجاوز مربوط می‌شوند، به میان می‌آیند: «اگر مقامات تشخیص دهند که یک شخص به طور گسترده مرتکب این جرم (جرایم) شده، می‌توانند آن را مصداقی از افساد فی الارض تلقی کنند و با نقض واضح قوانین و استانداردهای بین‌المللی، حکم اعدام صادر کنند.»

معین خزائلی هم با اشاره به ماجرای کیوان امام وردی می‌گوید بر اساس ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی برقراری رابطه جنسی با زنی در حالت بی‌هوشی یا مستی در حکم زنا» به «نف» بوده و مجازات آن اعدام است: «از این رو در صورتی که فرد مورد نظر به این جرم متهم شده و ارتکاب آن ثابت شود از نظر قوانین فعلی در ایران، مجازات آن قانوناً اعدام خواهد بود. منتها مشکل اینجاست که مجازات اعدام اساساً مجازاتی غیرانسانی، وحشیانه و ناعادلانه است؛ ضمن اینکه هیچ تأثیری هم بر جلوگیری از ارتکاب جرم توسط افراد دیگر ندارد.»

به گفته خزائلی، جرایم جنسی از جمله جرایمی هستند که مرتکبان آنها معمولاً یا از دسته مجرمان به عادت هستند یا مجرمان به لحظه. یعنی یا افرادی هستند که معمولاً ارتکاب جرم برایشان یک عادت همیشگی است و به انجام آن اعتیاد دارند یا افرادی هستند که به هر دلیلی در یک لحظه تصمیم به ارتکاب جرم گرفته‌اند.

او در ادامه می‌گوید: «از منظر جرم‌شناسی هر دو دسته این



افراد جزو گروهی از مجرمان محسوب می‌شوند که میزان و کمیت مجازات مقرر شده قانونی برای جرم ارتكابی تأثیر زیادی بر تصمیم آنها در انجام جرم ندارد چون در گروه اول اساسا اعتیاد به ارتكاب جرم چنان حیاتی است که مجازات سنگین نیز توان بازدارندگی ندارد و در گروه دوم هم تصمیم به ارتكاب جرم به قدری آنی و لحظه‌ای است که مجرم فرصت فکر کردن به عواقب آن را پیدا نمی‌کند.»

تناسب جرم و مجازات

میزان مجازات برای یک جرم یکی از عوامل بازدارنده از ارتكاب آن است و نشان‌دهنده میزان تحمل ناپذیری جامعه و هنجارهای آن نسبت به یک رفتار یا عمل مجرمانه. شدت مجازات همچنین نشان‌دهنده میزان حمایت اجتماعی و قوه قهریه از «گروه قربانی» است. در این میان اما جدای از مجازات، روندهای قانونی رسیدگی به وقوع جرم از همان بدو گزارش جرم تا صدور حکم و اجرای آن نیز در تأثیرگذاری مجازات یک جرم به عنوان عامل بازدارنده موثر است.

معین خزائلی با تأکید بر این موارد به حقوق ما می‌گوید: «روشن است که اعمال مجازات نیاز به رسیدگی حقوقی دارد و در نتیجه ایجاد هر گونه خلل در این روند سبب کاهش اثرگذاری مجازات خواهد شد. از این منظر عواملی مانند دشواری بیش از حد اثبات قانونی وقوع آزار و اذیت جنسی، ظرفیت بالای قربانی نکوهی توسط عوامل انسانی در روند قضایی از پلیس گرفته تا وکیل و مطبوعات و کارکنان دادگاه و حتی قاضی، فقدان قوانین حمایتی از بزه دیده، وجود قوانینی مبنی بر مجازات بزه دیده یک آزار جنسی مانند جرم‌انگاری رابطه جنسی خارج از ازدواج در ایران و همچنین عدم شناسایی مفاهیمی مانند رضایت جنسی در قوانین به عنوان یگانه عامل موثر در وقوع جرایم جنسی از جمله عواملی هستند که سبب دشواری بیش از حد روند قضایی رسیدگی به یک پرونده آزار و اذیت جنسی می‌شوند.»

به گفته خزائلی، این دشواری در عمل سبب می‌شود بزه‌دیده یک جرم جنسی از گزارش ارتكاب جرم منصرف شود و روشن است تا ارتكاب جرمی گزارش نشود، مجرمی نیز مجازات نمی‌شود: «در چنین شرایطی شدیدترین مجازات تعیین شده در قانون نیز اثری در جلوگیری از ارتكاب جرم ندارد چرا که متجاوز می‌داند فعالیت مجرمانه او از سوی بزه‌دیده گزارش نخواهد شد و حتی اگر هم گزارش شود به دلیل پیچیدگی‌ها

و خلاءهای فراوان قانونی به سرانجام نمی‌رسد.»

اما چرا اساسا دستگاه قضایی جمهوری اسلامی چنین رویکردی نسبت به موضوع روابط جنسی و اتهامات جنسی دارد؟

بهار صبا در پاسخ به این سوال می‌گوید مقابله با جرایم جنسی نیاز به رویکردی چند جانبه و حقوق بشری دارد اما قوانین کیفری و مدنی ایران نه تنها از افراد در برابر خطر جرایم جنسی محافظت نمی‌کنند بلکه در بسیاری موارد زمینه را برای وقوع این جرایم فراهم می‌کنند.

به گفته صبا، راهکار اولیه مقامات ایران برای مقابله با جرایم در بسیاری از موارد ایجاد رعب و وحشت است و استفاده از مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی، با این ادعا که بازدارنده هستند:

«متأسفانه مقامات ایران قصدی برای برداشتن قدم‌هایی اساسی برای مقابله با خشونت جنسی از خود نشان نمی‌دهند؛ قدم‌هایی که در وهله اول باید برای اصلاح چارچوب حقوقی برداشته شوند. یعنی لازم است که تجاوز در تطابق با قوانین بین‌المللی، تعریف و جرم‌انگاری شود.»

این حقوقدان می‌گوید که بسیاری از دیگر قوانین هم باید

تغییر کنند: «برای مثال بر اساس قوانین ایران زنی که ازدواج کرده موظف به تمکین است. این مسأله به این معنی است که نه تنها قوانین ایران تجاوز در بستر زناشویی را جرم‌انگاری نمی‌کند، بلکه اجازه ارتكاب این جرم را می‌دهد. یا در مثالی دیگر قوانینی که اجازه ازدواج کودکان را می‌دهند در حقیقت اجازه تجاوز به کودکان را صادر می‌کنند.»

به این ترتیب بر اساس گفته‌های بهار صبا، قدم اول برای بهبود شرایط، بازبینی کامل و اصلاح قوانین است و پس از آن، باید قدم‌هایی بسیار فراتر از تصویب قانون برداشته شوند تا از خشونت جنسی و تجاوز جلوگیری شود: «برای مثال تمام کسانی که وارد چنین پرونده‌هایی می‌شوند -از مأموران پلیس گرفته تا مقامات دادستانی و قضات-، باید آموزش‌ها و در واقع دوره‌هایی را بگذرانند که آنها را از برخوردهایی که مبتنی بر نگرش استریوتایپی (تفکر قالبی) به زنان و بحث تجاوز است، دور کند.»

به گفته صبا در بسیاری از کشورها همچنان بستری از این نگاه‌ها وجود دارد؛ اینکه اگر به زنی به دلیل وارد شدن به فضای خصوصی با یک مرد تجاوز شد، خودش مقصر است یا لابد لباسی پوشیده که آن لباس به نوعی «اغوا کننده» بوده

است.

او می‌گوید: «بسیاری از این نگرش‌های استریوتایپی همچنان در نظام‌های قضایی وجود دارند و بنابراین دوره‌های آموزشی بسیار مهم هستند تا مقاماتی که وارد این پرونده‌ها می‌شوند، بدانند چگونه باید به موضوع رسیدگی کنند.»

به این ترتیب برای اینکه تمام اشخاص اعم از زن، مرد و اشخاص دیگری که هویت خود را هویتی دوگانه نمی‌دانند، بتوانند از حق بر تمامیت جسمانی، روانی و جنسی خود بدون تبعیض برخوردار باشند، باید آموزش‌هایی فراتر از بحث‌های مطرح در پرونده‌های قضایی ببینند.

بهار صبا با اشاره به این موضوع می‌گوید: «برای مثال بحث رضایت موضوع بسیار مهمی است که باید از سنین پایین در مدرسه‌ها و بعد از آن در دانشگاه‌ها آموزش داده شود. متأسفانه اما مقامات ایران به جای اینکه بخواهند حق افراد را بر تمامیت جسمانی، روانی و جنسی خود به رسمیت بشناسند و قدمی بردارند که افراد بدون هیچ تبعیضی بتوانند از این حق برخوردار شوند، متوسل به مجازات‌هایی می‌شوند که مجازات‌های ناقض اصول و قوانین بین‌المللی مثل ممنوعیت مطلق شکنجه هستند.»

این حقوقدان و پژوهشگر سازمان آرتیکل ۱۹ با اشاره به موج روایت‌های افشاگری در مورد تجاوز و آزار جنسی در ایران به حقوق ما می‌گوید:

«فکر می‌کنم یک اتفاق بسیار مثبتی که ما در این دوران شاهد بودیم این بود که بسیاری از کسانی که تجربه تجاوز خود را گزارش کردند، در عین حال تأکید کردند خواستار مجازات اعدام نیستند و در واقع به مجازات اعدام نه می‌گویند؛ همزمان که دولت و نظام قضایی را موظف به انجام اقداماتی می‌دانند برای رسیدگی به شکایات و مقابله با تجاوز و خشونت جنسی.»

بهار صبا می‌گوید آنچه باید صورت بگیرد این است که صداهای بسیاری از این افراد به شکلی گسترده‌تر انعکاس داده شود: «از تعهدات حقوق بشری ایران است که همزمان -در راستای لغو کامل مجازات اعدام- برای تمامی جرایمی که مشمول "جدی‌ترین جرایم" نمی‌شوند مجازات اعدام را لغو کند و همچنین، قدم‌هایی را بردارد برای اینکه با جرایم جنسی مقابله کند؛ از جمله جرم‌انگاری تجاوز مطابق با قوانین بین‌المللی.»

افساد فی الارض در گفت‌وگو با آرش جودکی

سروانز رستگار

«مَنْ أَجَلَ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ
أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَانَ قَتْلَ النَّاسِ جَمِيعًا»

۳۲ / مائده

«و به‌همین دلیل بر بنی اسرائیل چنین حکم کردیم که هرکس دیگری را بکشد بدون آنکه مرتکب قتل شده باشد یا افساد در زمین کرده باشد، گویی همه مردم را کشته است»

از همان روزهای اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی این آیه قرآن، فصل‌الخطاب افرادی شد که می‌خواستند «زمین را از مفسدان پاک کنند».

با این که افساد فی‌الارض یکی از اولین احکام اسلامی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای مجازات مخالفان به کار گرفته شد اما در بررسی کتب فقهی ملاحظه می‌شود که هیچ بایی در حدود، تحت عنوان افساد فی الارض مطرح نشده است و کمتر تعریفی از فقها در خصوص افساد فی الارض یافت می‌شود. اما در آن سال‌ها بیش از هر چیز بر نظرات فقهی آیت‌الله خمینی تاکید می‌شد، رهبر انقلاب اسلامی که در تحریر الوسیله «دوجلد در یک جلد»، ص ۸۸۹، مسأله ۱ نوشته بود: المحارب: هو کلّ من جرّد سلاحه او جهّزه لاختافه النَّاس و ارادة الافساد فی الارض؛ فی برّ کان او فی

بحر، فی مصر او غیره، لیلاً او نهراً.

اما نیاز به استدلالی شرعی برای اعدام مخالفان جمهوری اسلامی کار را به جایی رساند که آیت‌الله موسوی اردبیلی در سال ۶۶ استفتایی از آیت‌الله خمینی کرده تا با توجه به این که نظر فقهی آیت‌الله خمینی اعدام شخص مفسد نیست؛ شورای عالی قضایی اجازه عمل بر اساس نظر آیت‌الله منتظری را داشته باشد که اعدام مفسد فی‌الارض را جایز بدانند.

با آن که سال‌ها از مرگ آیت‌الله خمینی، مردی که تا پایان بر تمامی احکام و نظراتش پایدار ماند، و نیز حسین علی منتظری- که در سال‌های پایانی زندگیش به رهبر معنوی معترضان به جمهوری اسلامی تبدیل شد- می‌گذرد اما آنچه بر جای مانده جان‌های بسیاری است که با استفاده از این حکم این دو رهبر مذهبی بر سر دار رفته‌است.

در گفت و گویی مکتوب با آرش جودکی، دانش‌آموخته فلسفه، ابتدا از او در مورد ظرفیت اسلام و قرآن در برگرفتن جرایم و مجازات‌ها پرسیدم:

– چون واژه «ظرفیت» از یک سو نشانگر توانایی پذیرش چیزی است و از سوی دیگر بیانگر توانش انجام کاری، پس



در پاسخ به پرسش شما می‌باید هم به گنجایش اسلام برای پذیرش دستگاه قانون‌گذاری پرداخت و هم به توانایی آن برای به انجام رسانیدن سازوکار قانون‌گذاری. از دیدگاه تاریخی می‌توان گفت از هنگامی که اسلام همچون حکومت جاگیر شد، پهنه قانون‌گذاری را هم در برگرفت. اما دستگاه قانون‌گذاری‌اش را بر چه شالوده‌ای می‌بایست و می‌توانست بنیاد کند؟ پیش از پاسخ به این پرسش که نگاه به گنجایش اسلام در پذیرش قانون‌گذاری دارد، باید ببینیم آیا اسلام توانش قانون‌گذاری را هم دارد؟

گرایش به قانون‌گذاری، درونی اسلام است، چون اسلام، همخواند با پیام قرآن، خواستار بازسازی پیوندهای اجتماعی است. این بازسازی در گرو بازآفرینی مجموعه داده‌های اجتماعی و سیاسی است که فرجام آن برپایی حکومتی است که می‌باید نمودگار خواست الله و نماینده‌ی روا شدن آن بر روی زمین، به پاس پیروی از پیغمبرش باشد. قانون‌گذاری بدون فشار برای وادار کردن به پایبندی به قانون، معنی ندارد. پذیرفتار پایبندی به قانون حکومت است که طرح آن را نخستین گروه پیروان محمد در دل خود می‌پرورد. آنچنان که از زبان الله درباره آنان می‌شنویم: «بهتر گروهی شماييد که بیرون آوردند مردمان را، به نیکویی می‌فرمایید و از ناپسند می‌باززنید، و به خدای می‌گروید.» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰، کشف الاسرار و عده الابرار، رشیدالدین میبدي). که به خوبی نشان می‌دهد آماج «امر به معروف و نهی از منکر» وادار کردن دیگری به فرمان‌بری است.

فشرده‌ی پیام کانونی قرآن چیزی نیست مگر پافشاری بر بایستگی فرمانبرداری از دستورهای الله. داستان‌های قرآنی هم در چارچوب همین پافشاری جا می‌گیرند. چون هدف‌شان از یادآوری سرنوشت شوم کسانی که در گذشته از چنین کاری سرپیچی کرده‌اند، زنهاری است به کسانی که با پیغمبر اسلام دشمنی می‌کنند. با این همه، محتوای این فرمان‌ها که تن زدن از آنها، شکنجه‌های جاودان آن‌جهانی را به دنبال دارد چندان روشن نیست. آنچه می‌توان همچون قانون از قرآن بیرون کشید، که در قرآن «حدود الهی» نام دارند، بخش بزرگی‌شان درباره چگونگی گزاردن آیین‌های نیایش و پرستش و انجام ورستادهای (وظایف) دینی است، و بخش دیگر که می‌توانیم «حقوق مدنی» بخوانیم به ارث، بدهی، زناشویی، جدایی، پوشش زنان و نیز بازداری از گسارش نوشیدنی‌های به دست آمده از راه تخمیر می‌پردازد. پس مشکل اسلام همچون حکومت، نهادن قانون‌هایی درباره چیزهایی است که در قرآن هنجار سفارش‌شده‌ای برای‌شان نمی‌یابیم که شماره‌شان هم کم نیست.

در این چشم‌انداز قرآن ظرف یا گنجانه‌ی گشاده‌ای است که بر پایه‌ی



همان نقش «خداوندان فرمان» می‌بیند و همان جایگاه را برای خود می‌خواهد. اما آیا با ملاک امروز می‌توانیم گذشته را هم دآوری کنیم و بگوییم همیشه چنین بوده است؟ به همین دلیل شاید چندان بی‌راه نباشد که از چشم‌اندازی تاریخی به این پرسش بنگریم. غنای فرهنگی و پیشینه‌ی تاریخی و ساختار پیچیده‌تر سرزمین‌های پهناوری که مسلمانان حکومت‌های‌شان را سرنگون کرده و بر آنها سروری یافته بودند، می‌توانست اسلام و مسلمانان را فرا گرفته و آنها را به تمامی در خود فرو ببرد. جاگیر شدن حکومت اسلامی و نیاز به قانون‌گذاری هم از این واقعیت پرده برگرفت که اسلام توانایی آن را ندارد که نیازمندی‌هایش در این پهنه‌ها را سراسر از دل خود بیرون بکشد. ترفند اسلام برای رهایی از این گرفتاری این بود که به وام یا به زور هرچه را که به کارش می‌آمد، از اینجا و آنجا برگرفت و آنها را به محمد بازبست. اینگونه هم به آنها شایستگی بخشد و هم چنین وانمایند که خودش پدیدآورنده آنها بوده است. ماشین سترگ حدیث‌سازی از همین رو آغاز به کار کرد. آنچنان که بجای کوشش برای برابرکردِ کردار قانون‌گذار با گفته‌های محمد، قانون‌گذار، بسته به نیازش، گفته‌ای را در دهان پیغمبر می‌گذاشت.

از رهگذر چنین رویکردی، شخصیت محمد هم در بافتار فرهنگ اسلامی آماسیدن آغاز گرفت. اما این آماسیدگی دشواری سترگی نیز به همراه داشت. چون به شخص پیغمبر چنان جایگاه برگزیده و والا و یگانه‌ای بخشیده شد که شاید بود واگذاری این کانونِ همزمانِ شایش و دست‌وری را از پیغمبر به دیگران اگر نه ناشدنی، سخت می‌ساخت. دو چاره در برابر این بغرنج پیش پای اسلام بود: یا با پذیرش جایگزین‌ناپذیری محمد، می‌بایست سازوکار شایش‌بخشی را به گردن قانون اسلامی که از آن چهره‌زایی می‌شود، بگذارد. در این صورت پهنه دینی را، سوای پهنه‌ی سیاسی به “علمای” دین می‌سپریم. یا همچون شیعیان، با پذیرش اینکه فره محمد با همه یگانگی‌اش از خودش به “اهل بیت” اش می‌رسد، پهنه دینی و سیاسی را همکاسه کرده و در شخص «امام» به دست‌وری چهره می‌بخشیم.

دگرگونی دستگاه مذهبی شیعه در ایران، که می‌توانیم آن را کاستِ آخوندها بخوانیم، در بستر تاریخی، از دوران صفویه تا دوران همروزگار، برنهاده‌ای است از این دو چاره: علمای

دینی خود را تا مقام «خداوندان فرمان» برکشیده‌اند و از این برکشیدگی، خود را هم‌خوانده با پیغمبر و امامان جا می‌زنند.

در مواد قانونی‌ای که در قانون مجازات اسلامی بر اساس این حکم فقهی تدوین شده، از مبارزه با مواد مخدر تا ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، اخلال‌گری اقتصادی، جرائم نیروهای مسلح تا جاعلان اسکناس و محترکان و گرانفروشان و قاتلان زنجیره‌ای و متهمان به روابط جنسی گنجانده شده‌اند؛ چگونه می‌توان از «مفسد فی‌الارض» چنین تفسیر موسعی داشت؟

– گشاده‌دستی در چنین گزارشی از «مفسد فی‌الارض» به یاری برنهاده‌ای است که گفتیم. در همان فتوای منتظری که در گزارش خود بازگو کرده‌اید، هرکسی که «به کیان فرهنگی یا سیاسی یا اقتصادی جامعه اسلامی یا به «حیثیت عمومی اسلام و مسلمین» آسیب و زیان برساند، سزاوار مرگ‌ارزانی است. اما کیان (سرشت) و حیثیت (آبرو و ارزش) فرایافته‌ای انتزاعی هستند. پرسش اینجاست که چه فرآیندی در فقیه این پندار را می‌آفریند که خود را به اندازه‌گیری زبان‌هایی که به این فرایافته‌ای انتزاعی رسیده است توانا بداند؟ عنوان «خداوند فرمان» به فقیه جایگاه جانشینی پیامبر و امامان را می‌بخشد. به همین دلیل، فرمانبری بی‌چون و چرای دیگران را هم چشم دارد. از سوی دیگر، فراموش نکنیم که در مرده‌ریگ شیعی، پیامبر و امامان عقل کل شمرده می‌شوند، پس جانشین آنها نیز خود را با آنان در این عقل کلی بودن هنباز می‌گیرد و یکه‌داری عقل را از آن خود می‌داند. پس چنین می‌اندیشد که توانایی دریافت و شناخت هر آنچه را که به سرشت اسلام و ارزش مسلمانان، در هر پهنه‌ای آسیب می‌رساند، دارد. و از آنجا که زمامداری کشور هم با اوست، پس هیچ چیز جلودار او نیست تا هر کنش و اندیشه‌ای که می‌توانند فرمان‌برداری از او و دست‌وری‌اش را به خطر بیندازند، افساد در زمین بخواند. چون حکومت اسلام را نمودگار خواست الله و نماینده‌ی روا شدن آن بر روی زمین، به پاس پیروی از خود می‌شناساند و می‌خواهد که دیگران هم چنین بخواهند؛ دیگرانی که چون از او در مرتبه پایین‌تری قرار دارند، نمی‌توانند اینگونه نخواهند.

با این همه به نظر می‌رسد پرسیدن از نسبت این قانون با حقوق بشر، محلی از اعراب ندارد! آیا می‌توان در انطباق این دو سخنی گفت؟

– بی‌گمان چنین همپوشانی نه هست و نه می‌تواند باشد. چون انگاره‌ی برابری آدمیان شالوده‌ای است که حقوق بشر بر آن استوار شده است.

آمادگی‌اش برای پذیرش مظروف یا گنجینه اسلامی از یک‌سو، و چیستی این گنجینه از سوی دیگر، ظرفیت یا گنجایش اسلام برای قانون‌گذاری سنجیده می‌شود. نمی‌توان از قانون و قانون‌گذاری سخن گفت و جستار دو فرایافت مشروعیت و اقتدار را پیش نکشید. از آنجا که واژه مشروعیت، شرع را در خود دارد، بجای آن شایش یا شایستگی را پیشنهاد می‌کنم، و برای اقتدار، دست‌وری را. دست‌وری راستین که الله به آن شایستگی می‌بخشد، دست‌وری محمد، فرستاده‌ی اوست. در قرآن بارها به این جمله برمی‌خوریم: «بگو فرمان برید خدای را و پیغامبر او را، اگر برگردید که خدای دوست ندارد کافران را.» (سوره آل عمران، آیه ۳۲، ترجمه تفسیر طبری) بهشت پاداشِ فرمانبری از الله و فرستاده‌اش خواهد بود و دوزخ پادافره نافرمانی از آنها.

اکنون باید دانست ترابری این دست‌وری چگونه از پیغمبر به دیگران انجام می‌شود. آیه ۵۹ از سوره النساء، به گونه‌ای گنگ که جا برای تفسیر و گزارش می‌گشاید، در این باره سخن می‌گوید. مترجمان تفسیر طبری آن را اینگونه به فارسی برگردانده‌اند: «ای آن‌کس‌ها که بگرویدید فرمان‌برید خدای را و فرمان‌برید پیغامبر را و خداوندان فرمان از شما.» رشیدالدین میبدی در کشف الاسرار و عده الابرار، «اولی الامر» را ترجمه نشده باقی گذاشته است و ابوالفتوح رازی در روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیرالقران، همچون مترجمان تفسیر طبری، همان «خداوندان فرمان» را به کار برده است. اما این «خداوندان فرمان» که فرمان‌گزاری‌شان برابر با فرمان‌پذیری از الله و پیامبر است، چه کسانی هستند؟ در بافتار قرآنی چندان محتوا و چگونگی این فرمان‌بری روشن نیست. هرچه هست، فرماندهان یا سلاطین از سویی و علما یا کارشناسان مسایل دینی از سوی دیگر، در هر زمانی، بسته به شرایط خود را آن «اولی الامر»ی که قرآن می‌گوید بازشناسانده‌اند. به ویژه اینکه آزادکامی الله به گونه‌ای است که به بهانه‌هایی که تنها خودش از آنها آگاه است، بخت سروری بر دیگران را به هرکس که دلش بخواهد می‌بخشد: «لکن الله می‌گمارد پیغامبران خویش را بر آن که خواهد، و الله بر همه چیز تواناست.» (سوره الحشر، آیه ۶، کشف الاسرار)

آقای جودکی! علاوه بر همه ظرفیت‌های اسلام برای ارائه اتهام‌ها و مجازات‌های جدید به نظر می‌رسد هم فقه شیعه ظرفیت فراخی دارد و هم روحانیتی که استدلال لازم برای خشونت قانونی را فراهم می‌کنند. شما نقش روحانیت شیعه را در این میان چقدر موثر می‌دانید؟

– در دوران همروزگار، بی‌گمان دستگاه مذهبی شیعی خود را در

اتهام «افساد فی الارض» و نقض حقوق انسان‌ها



نیره انصاری

ثنویت یا یگانگی، دو موضوع محاربه و افساد فی‌الارض، از مباحث فقه جزایی است. برخی متون فقهی و نیز برخی قوانین به تبع قرآن این دو عنوان را در کنار هم آورده‌اند، به گونه‌ای که این فکر را به ذهن متبادر می‌کند که این دو، یک جرم به شمار می‌روند.

فارغ از بررسی عمیق رابطه‌ی محاربه و افساد، از این جهت که مشترکات محاربه و افساد فی الارض چیست که مجازات سخت محاربه را بتوان به افساد فی الارض نیز تسری داد؛ باید توجه داشت که طرح این پرسش ناشی از به کار رفتن دو عنوان محاربه و افساد فی الارض درآیه ۳۳ سوره مائده است. در متون فقهی نیز جز در موارد محدودی – بحث خاصی به افساد اختصاص داده نشده، بل، در لابه‌لای مباحث فقهی، گاه علت مجازات قتل برخی از مجرمان، «مفسد فی‌الارض بودن» مرتکبان عنوان شده است. برجسته نبودن عنوان افساد در متون فقهی و طرح مباحث آن در ضمن موضوعات دیگر، موجب بروز این شبهه شده است که اساساً جرمی تحت عنوان افساد فی‌الارض وجود ندارد.

به نظر می‌رسد که رابطه محاربه و افساد فی الارض عموم و خصوص مطلق باشد. اساساً آنچه که در فرایند افساد فی

الارض پیش می‌آید، چیزی است فراتر از یک جرم معمولی که اثرش متوجه یک تن یا گروهی از افراد باشد. اثر این قسم جرایم مستقیماً بر روی نظام اسلامی و یا حداقل یک طبقه مشخص از جامعه است.

افساد فی الارض در قوانین ایران

تا پیش از اصلاح و تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، افساد فی الارض به پیروی از نظر اکثریت فقهای شیعه، از سوی قانونگذار در زیر مجموعه جرم محاربه و در مجازات‌های مربوط به آن آورده شده بود. زیرا در منابع فقهی جرمی به عنوان افساد فی الارض وجود ندارد و این عنوان به مفهوم خاص خود چیزی جدا از محاربه نیست.

در این باره ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند: «هرکس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احتراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فسادوفحشاء یا معاونت در آنها گردد. به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، نا امنی یا ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا

سبب اشاعه فساد یا فحشاء، در سطح وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

از نظر حقوقی قیده‌ای آورده شده در ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی بسیاری از اعمال را شامل می‌شود، در حالی که حدود الهی بسیار تفسیربردار هستند و این گونه جرم‌انگاری در مواردی که با مجازات اعدام روبرو هستیم، مغایر موازین حقوق بشرِ مندرج در اسناد بین‌المللی است.

از این بیش عنوان مجرمانه «مفسد فی الارض» به عنوان جرمی مستقل از محاربه مطرح شد و این در حالی است که

تمام جرم‌ها به ویژه جرم‌هایی که مجازات‌هایی همچون اعدام را در پی خواهد داشت، مفاهیم جرم‌انگاری شده باید بسیار روشن و شفاف باشد. حال آنکه در این ماده برای هیچ کدام از عناوین مجرمانه، مصداق بارزی ارائه نمی‌کند.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار تشخیص و تمیز این قبیل موارد را صرفاً در اختیار قضات دادگاه انقلاب قرار داده است به همین جهت «علم حقوقی» را به «علم شخصی قاضی» محدود می‌کند. بسیاری از فعالیتهای ساده اجتماعی، با جرم‌انگاری این ماده می‌تواند به یک جرم امنیتی تبدیل شوند! امروز با



گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب بهمن ۵۷، احکام محاربه و افساد فی الارض به مانند سال‌های نخست همچنان علیه کسانی که به هر دلیلی با حکومت همسو نیستند، استفاده می‌شود و چنان گسترده شده است که از مخالفان سیاسی نظام تا متهمان مواد مخدر و فعالان محیط زیست را هم شامل می‌شود.

این در حالی است که به موجب کنوانسیون‌های حقوق بشری و دانشمندان علم حقوق، حکم اعدام برای جرائمی با عنوان «افساد فی الارض» و... نه تنها عامل بازدارنده نیست بل، باز تولید خشم و وحشت و ایجاد مشکلات جدی روانی در سطح جامعه است.

حقوق بنیادین

بنابر ماده شش میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی:

۱. حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جائر نیست، مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت، که آن‌هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌های راجع به جلوگیری و مجازات جرم «نسل‌کشی یا ژینوساید» منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جائر نیست مگر به موجب «حکم قطعی» صادره از دادگاه صالح.

۲. در مواقعی که سلب حیات تشکیل دهنده جرم «کشتار جمعی» باشد چنین معهود است که هیچ‌یک از مقررات این ماده، دولت‌های طرف این میثاق را مجاز نمی‌دارد که به هیچ نحو از هیچ‌یک از الزاماتی که به موجب مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته‌جمعی تقبل شده، انحراف ورزند.

۳. هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید.

(عفو عمومی) یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود.

۴. حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار، قابل اجرا نیست.

۵. هیچ‌یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغا مجازات اعدام از طرف هر یک از دولت‌های طرف این میثاق قابل استناد نیست.

مجازات اعدام ناقض حق حیات است و به همین جهت سازمان ملل از کشورها خواسته تا مجازات اعدام را لغو کنند ولی کشورها آن‌گونه که باید و شاید به فشار سیاسی و اخلاقی سازمان ملل توجهی نشان نداده‌اند.

نقض حقوق افراد بازداشت شده به اتهام افساد فی الارض

هر فردی که تحت بازداشت قرار می‌گیرد باید بتواند از دلایل دستگیری خود مطلع شده و در اسرع وقت با وکیل خود تماس بگیرد و مسأله دستگیری او و بازداشتش به خانواده او اعلام گردد. این ضمانت اجراها برای رفع خطر ناپدید شدن ها و مقابله با بازداشت‌های فراقانونی پیش‌بینی شده‌اند. این حق ابتدایی در مورد بسیاری از بازداشت‌شدگان به ویژه در پرونده‌هایی با برچسب امنیتی رعایت نمی‌شود.

گاه به فرد بازداشتی تا مدت‌ها اجازه تماس با خانواده‌اش داده نمی‌شود و یا از این وسیله به عنوان حربه‌ای برای اجبار به همکاری و اخذ اعتراف اجباری استفاده می‌شود. از این بیش، تفهیم اتهام و اطلاع از دلیل دستگیری و همچنین برخورداری از وکیل گاه تا پایان بازجویی که ممکن است ماه‌ها به طول بیانجامد و در بسیاری از موارد با حبس در سلول انفرادی توأم است، به تأخیر می‌افتد.

از جمله تضمین‌هایی که برای حفظ حقوق متهم در دادرسی‌های کیفری پیش‌بینی می‌شود، حضور و شرکت وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی است. در بسیاری از کشورهای جهان حتی در مرحله دستگیری و تفهیم اتهام، حق داشتن وکیل به متهم تفهیم می‌شود. حتی به او یادآوری می‌کنند که حق دارد تا حضور وکیل مدافع خود از پاسخ به پرسش‌ها امتناع ورزد. اما به موجب قانون آیین دادرسی کیفری سابق، شرکت وکیل مدافع در محاکمات جزایی در بسیاری از موارد (از جمله اکثر پرونده‌های در صلاحیت دادگاه انقلاب) به مرحله دادگاه محدود شده و قاضی به سهولت می‌تواند متهم را به بهانه وجود مفسده یا محرمانه بودن موضوع، از داشتن وکیل مدافع در هنگام تحقیقات مقدماتی در مرحله دادسرا محروم کند.

گرچه این وضعیت در قانون آیین دادرسی کیفری جدید اندکی تعدیل شده است، اما ماده ۴۸ این قانون بدعتی دیگر در این زمینه ایجاد کرده و حق انتخاب وکیل در پرونده‌های امنیتی را به لیست وکلای تأیید شده توسط رئیس قوه قضائیه محدود کرده است.

اگر محدودیت‌ها بر وکلا و نقض استقلال کانون وکلا و نیز ناکارآمد بودن سیستم وکالت تسخیری برای افرادی که امکان تعیین وکیل انتخابی ندارند را نیز به این مجموعه اضافه کنیم، تنها می‌توان آن را نقض کامل و همه جانبه «حق دفاع از ملت» دانست.

فرجام سخن

اقدام قانونگذار در ایران برای جرم‌انگاری مستقل افساد فی الارض تنها روشی برای آسان‌سازی اقدامات غیر قانونی، ناعادلانه و غیرانسانی دستگاه قضایی ایران و نهادهای پر قدرت نظامی-امنیتی برای حذف فیزیکی، ارباب و تهدید در نظامی است که در آن راه‌حل تمامی مشکلات به اعدام ختم می‌شود.

مفاسد اقتصادی در ایران و قوانینی که شفاف نیستند

گفت‌وگو با محمد مقیمی و پگاه بنی هاشمی



جواد عباسی توللی

اتهام «افساد فی الارض» از آن دست اتهام‌های مبهم است که با مستندی عام در سال ۱۳۹۲ تصویب و به عناوین مجرمانه در قوانین کیفری ایران الحاق شد. این عنوان اتهامی که تعریفی موسع از رفتارهای اجتماعی جرم‌انگاری شده را در برمی‌گیرد، با وجود مبهم بودنش، کاربرد گسترده‌ای در مراجع قضایی ایران از جمله دادگاه‌های ویژه جرایم قضایی دارد.

در مرداد ماه ۱۳۹۷ و به دنبال ارسال نامه‌ای ۱۲ بندی از سوی صادق آملی لاریجانی، رئیس وقت قوه قضائیه به علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، بر خلاف قانون، محاکم قضایی ویژه‌ای موسوم به «دادگاه‌های ویژه اخلاک‌گران اقتصادی» با موافقت کتبی خامنه‌ای، به مدت دو سال تشکیل و راه‌اندازی شد.

کمتر از یک ماه پس از تشکیل این دادگاه‌ها، مسئولان سابق قوه قضائیه پیوسته درسخرانی‌های خود -پیش از برپایی هر گونه محکمه‌ای- با لحنی تهدیدآمیز بر این موضوع تأکید داشتند که جرم اخلاک‌گران در بازار و مسببان گرانی‌ها «افساد فی الارض» بوده و متعاقبا همه این افراد با مجازات اعدام روبه‌رو خواهند شد.

راه‌اندازی دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی در اوایل شهریور

۱۳۹۷ و تمدید مدت فعالیت این دادگاه‌ها تا شهریور ۱۴۰۰

به دستور علی خامنه‌ای اما تاکنون منجر به محاکمه شماری از فعالان اقتصادی در عرصه‌های مختلف شده است. این افراد به گفته مقام‌های رسمی اغلب «سلطان»‌هایی بودند که محاکمه‌شان به صدور و اجرای حکم اعدام منجر شد.

پگاه بنی هاشمی، حقوقدان و فعال حقوق بشر اما بر این باور است که رفتار قضات در ارتباط با جرایم اقتصادی در این دادگاه‌های جدید التأسیس از یک‌سو بیش از آنکه جنبه حقوقی و کیفری داشته باشد، واجد جنبه‌های سیاسی بوده و از سوی دیگر از آنجا که مصادیق «افساد فی الارض» به صورت کامل در قوانین کیفری مشخص نشده و یک عنوان اتهامی نسبی است، می‌تواند راه را برای برخوردهای سلیقه‌ای با متهمان باز کند.

بنی هاشمی در تشریح ابهام‌های موجود در عنوان اتهامی «افساد فی الارض» می‌گوید: «مفاهیم علم حقوق کیفری باید مضیق باشد و نمی‌تواند طیف وسیعی از مجازات‌ها و جرایم را در بر بگیرد و این مسأله برخلاف اصول بنیادین حقوق جزاست.»

بنی‌هاشمی در ادامه می‌گوید مفاهیمی همچون افساد فی الارض در حقیقت بعد از انقلاب اسلامی وارد قوانین کیفری



او در ادامه می‌گوید عناوین محاربه و افساد فی الارض دست‌کم به عنوان جرم (نه گناه) یکی هستند: «جرم محاربه و افساد فی الارض جزء حدود محسوب می‌شود و فقه و به تبع آن، قانونگذار در تعریف حد نوشته‌اند که حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، آمده است.»

مقامی از گفته‌های خود چنین نتیجه می‌گیرد: «از این رو، انسان حق دخل و تصرف در حدود الهی که در قرآن کریم آمده است ندارد. اگر قانونگذار «فعلی» را به عنوان جرم تعیین کند، نام آن تعزیر است. بنابراین نمی‌توان مصادیق محارب و افساد فی الارض را به اخلاف در نظام اقتصادی کشور در حد وسیع، تعمیم داد.»

به گفته این حقوقدان، در واقع این موارد جزء حدود نیستند بلکه تعزیر هستند: «وانگهی، توسعه حدود یا تعزیر با ممنوعیت قیاس در امور کیفری و اصل تفسیر محدود قوانین جزایی و به تبع آن اصل تفسیر به نفع متهم، مغایر است.»

دادگاه‌های جرایم اقتصادی و عدم بازدارندگی برای مفساد اقتصادی

در مرداد ماه ۱۳۹۷ با پروپاگاندا و هیاهوی تبلیغاتی رسانه‌های حکومتی و طبق دستور و نظارت علی خامنه‌ای، پروژه جدیدی برای مقابله با «مفساد اقتصادی» در ایران کلید زده شد.

بر این اساس افرادی که توسط نهادهای امنیتی و مراجع قضایی ایران تحت عنوان «اخلالگران و مفسدان اقتصادی» شناخته می‌شدند در دادگاهی موسوم به «دادگاه ویژه جرائم



اقتصادی» متشکل از سه قاضی، مورد محاکمه قرار گرفتند. صادق لاریجانی، رئیس وقت قوه قضاییه که از او به عنوان مبدع این دادگاه‌ها یاد می‌شود، در طراحی روند محاکمه و صدور و اجرای مجازات‌ها، با حذف برخی رویه‌های قانونی از جمله ارسال پرونده متهمان پس از صدور حکم به دادگاه تجدیدنظر، روال کار را به گونه‌ای قرار داد که احکام اولیه صادر شده علیه متهمان -به جز مجازات اعدام- فوراً به مرحله اجرا درآید.

به علاوه طبق رویکردی که در دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی از بدو تأسیس تاکنون دنبال شد، به شعب دیوان عالی کشور برای اعاده دادرسی در پرونده متهمان محکوم به اعدام، تنها «۱۰ روز» فرصت داده شده است.

همچنین اگرچه در ابتدا اعلام شد روند محاکمه در این دادگاه‌ها به صورت علنی خواهد بود، اما در طی دو سال گذشته، جلسات این دادگاه‌های ویژه عمدتاً پشت درهای بسته برگزار شده و اخبار آن صرفاً از طریق خبرگزاری میزان به عنوان مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضاییه منتشر شده است. پگاه بنی هاشمی با اشاره به انتقادهای مطرح شده از سوی حقوقدانان در ارتباط با این دادگاه‌ها معتقد است برپایی چنین محاکمی از بسیاری جهات وجه حقوقی لازم را نداشته و نمی‌تواند عدالت را برقرار کند.

در دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی اما در بسیاری از موارد با انتساب اتهام «افساد فی الارض» برای برخی از متهمان، حکم اعدام صادر شده است.

بنی هاشمی با تأکید بر اینکه مجازات اعدام باید به‌طور کلی از قوانین کیفری ایران حذف شود، با اشاره به صدور حکم اعدام

به عنوان اشد مجازات برای برخی متهمان در پرونده‌های جرایم اقتصادی می‌گوید:

«به نظر من جدا از اینکه ما بخواهیم چه مجازات‌هایی را برای مفساد اقتصادی در نظر بگیریم، باید به این نکته توجه داشته باشیم که این مجازات‌ها باید مصادیق مشخصی داشته باشند. اشد مجازات برای چه سطحی از مفساد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود؟ آیا در نمونه‌های مشابه همچون پرونده اکبر طبری، معاون اجرایی سابق در قوه قضاییه یا هادی رضوی، متهم پرونده فساد در بانک سرمایه و داماد وزیر کار که با مراکز قدرت در ایران در ارتباط بوده‌اند، اشد مجازات در نظر گرفته شد؟»

او در ادامه می‌گوید برخوردهای صورت گرفته در ارتباط با جرایم اقتصادی، نوعی بحث سلیقه‌ای است چرا که می‌بینیم در یک پرونده با وجود میلیاردها تومان رشوه و مسائل خلاف قانون، برخی از افراد با اشد مجازات روبه‌رو نشده و حتی حبس ابد هم نگرفته‌اند اما چند نفر به علت داشتن چند سکه به مجازات اعدام محکوم شدند:

«من اصلاً مخالف تنبیه افرادی که سعی دارند مردم را در وضعیت اقتصادی بدتری قرار دهند نیستم منتهی مصادیق موضوع باید روشن باشد و ضمن اینکه در موارد مشابه هم افراد باید حکم یکسان بگیرند.»

این حقوقدان با تأکید بر این نکته که مجازات‌های اجرا شده از سوی دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی «بازدارنده» نبوده، می‌گوید:

«مقابله با مفساد اقتصادی از طریق اعمال مجازات و تنبیه، ولو اعدام، راه‌حل مفیدی نیست. شاید چند سال پیش که حکم اعدام عده‌ای از متهمان اقتصادی صادر شد، مسئولان قضایی می‌توانستند ادعا کنند این اعدام‌ها برای کنترل بازار موثر است اما اکنون به وضوح نتیجه کار مشخص شده و شاهدیم که نه تنها گرانی‌ها مهار نشده، بلکه قیمت‌ها چند برابر افزایش یافته است.»

بنی هاشمی بر این باور است که وظیفه سیستم قضایی صرفاً مجازات کردن مجرمان نیست، بلکه «یافتن روابط سیستماتیک در ایجاد فساد و اختلال اقتصادی» هم جزو وظایف این نهاد محسوب می‌شود.

او می‌گوید بازداشت و مجازات کسانی که سر منشأ مفساد اقتصادی محسوب نمی‌شوند هیچ کمکی به مسائل ریشه‌ای و پایه‌ای بحران اقتصادی در ایران نمی‌کند.

ایران شده و در ارتباط با مجازات‌هایی است که فقها اعتقاد داشتند برگرفته از شرع اسلام هستند: «بنابراین این واژه در حقیقت در علوم کیفری و در علم حقوق جزا وجود ندارد و بحث آن با مباحث جرم‌شناسی و تعاریفی که از جرم در حقوق بین‌الملل آمده، تفاوت بسیاری دارد.»

به گفته این حقوقدان، در رابطه با جرم افساد فی الارض، حتی ممکن است مصادیق آن میان قضات مختلف از یک شعبه دادگاه تا شعبه دیگر متفاوت باشد.

افساد فی الارض و ابهامات حقوقی و فقهی

بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در رابطه با جرم افساد فی الارض و مجازات آن مقرر شده است: «هر کس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاف در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلاف شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود.»

همچنین در تبصره ذیل این بند قانونی آمده است: «هر گاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلاف گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.»

محمد مقیمی، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر اما با اشاره به نواقص موجود در این ماده قانونی، معتقد است که میان عناوین محارب و افساد فی الارض اختلاف وجود دارد.

مقیمی بر همین مبنا می‌گوید:

«گروهی نسبت میان محارب و افساد فی الارض را عموم و خصوص مطلق می‌دانند، یعنی هر محاربی مفسد فی الارض نیز هست، ولی هر مفسد فی الارضی محارب نیست. برخی دیگر بر این باورند که هر دو یک فعل هستند (محاربه با خدا و رسول و سعی در ایجاد فساد در زمین). در آیه ۳۳ سوره مائده که مبنای فقهی و قانونگذاری جرم محاربه است، محاربه و افساد فی الارض با هم آمده‌اند.»

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net

